

آنچه کشور را نجات میدهد، تکیه به نیروی داخلی و نگاه به درون است؛ هم در زمینهٔ اقتصاد، هم در زمینهٔ مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی، هم در زمینهٔ فرهنگی.
مقام معظم رهبری

مردم نجیب ما
معصومه موسی زاده

اصلا آمریکا خوب! بزرگا! مرغه! ابر قدرت! قطب جهان! مافیای ثروت! یکه تاز صنعت!.. اصلا قدرت جهانی(همان استکیار خودمان).. ببینیم در این کشور، مردمش چگونه با مسؤلینشان رفتار میکنند؟ چقدر گوش به فرمان دولت اند؟ کیست که اگر فرمان دهد، جان را فدایش میکنند؟ اصلا شده تابحال، به اشاره کسی در یک روز، میلیون ها انسان بیابند در خیابان و حمایت کنند از گفته او؟ میانگین شرکت در انتخابات های آمریکا تا ۵۰٪ هم نمیرسدا! یک راهپیمایی ملی هم ندارند!.. حتی اگر مقایسه هم نخواهیم بکنیم، آنقدر همه چیز واضح و مبرهن هست، که بدانیم؛ مردم هیچ جای دنیا، به خاک پای هم وطنان ما هم نمیرسندا! پس بیشتر هولایشان را داشته باشیم، مردمی که در اوج سختی ها، "پای" نظام ایستاده اند راه، روی "دست" بگیریم، تا زمین نخوریم... عزیزشان بداریم...

واقعا؟ آنکس که در برابر لیخندهای نجیب دیپلمات های ما؛ به ما فحش تروریست ناقض حقوق بشر غیر قابل اعتماد، میدهد؛ تربیت عقلی نشده یا مردم زحمت کش انقلابی ما؟ آنکس که بعد از هرمرحله از "فناهم نامه" ما، یک لیست ۵۰ تایی به تحریر ما اضافه میکند، "افراط گر خودرای بی تدبیر بی عقل

راهپیمایی در کلان شهر کوچک ما

ریحانه ابوترابی

مراهپیمایان خیلی خوبی هستیم . راهپیمایی در کلان شهر کوچک ما همیشه ویژگی های خاصی دارد .

مسیر راهپیمایی در شهر ما همیشه از خیابان این ورِ حرم تا خیابان آن ور حرم است که فاصله ی دو خیابان بسیار با هم زیاد است . یعنی مثلا یک کیلومتر است . بعد رسانه های کلان شهر کوچک ما از یک ساعت قبل از شروع راهپیمایی اعلام میکنند که لطفا خانم ها از خیابان این طرفی برونند به خیابان آن طرفی و آقایان از خیابان آن طرفی بیایند به سمت خیابان این طرفی.

بعد راهپیمایی بصورت خیلی منظم شروع میشود و همه به سمت خیابان این طرفی و آن طرفی حرکت میکنند . هنوز هیچ کس نمیداند چرا با این همه تدبیر ،باز هم یک جایی همه ی خانم ها و آقایان باهم خیلی متحد شده و یک هو صدای مرگ بر آمریکای بلندی که همراه با جیغ و داد و فحش های بدبد است به آسمان میرسد.

امسال البته مسئولین ، آن نقطه ی عطف مهم را شناسایی کردند و دقیقا همانجا دوتا اتوبوس گذاشتند که خانم ها و آقایان با هم عطف نشوند . ولی ما فهمیدیم که ما مردم خیلی منعطفی داریم . چون باز هم در جاهای دیگری باهم عطف شدند .

ما خودمان داشتیم زیر دست و پا کلی منعطف میشدیم مسئولین شهر ما برای اینکه ما شعارهای بدید ندیمم برای ما بلند گویای هماهنگ کننده میگذارند تا یک نفر شعار دهد و مردم تکرار کنند

اما مردم تکرار نمیکند. چون مردم معتقدند هرکس که دوست دارد یک بار سرودهای انقلابی را پشت بلند گو بخواند تا صدایش

پیام رهبر انقلاب (مدظله) به دوازدهمین نشست اتحادیه انجمن های اسلامی مستقل

حضرت آیت ا...!خامنهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی شفاهی به تشکل‌های دانشجویی انقلابی، با بیان اینکه عرصه جنگ نرم «بصیرتی عمارگونه» و «استقامتی مالک اشتروار» می‌طلبید، خطاب به افسران جوان جنگ نرم تأکید کردند: برای رویارویی با نظام سلطه، تمام ظرفیت‌های خودتان را بکار بگیرید و در این مسیر به وعده‌های

به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید. متن پیام شفاهی رهبر معظم انقلاب که صبح امروز (چهارشنبه) توسط حجت الاسلام والمسلمین محمدیان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها در نشست سراسری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل قرائت شد، به شرح زیر است:

سلام مرا به فرزندان انقلابی‌ام برسانید و از تلاشهای جهادگونهٔ آنان در ترویج و پاسداری از آرمانهای امام و انقلاب تشکر کنید و چند نکته را به آنان یادآوری کنید:
۱) در کنار تحصیل علم و دانش، از فرصت جوانی برای تهذیب نفس و اسن با خدا و آشنایی عمیق با معارف قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بهره ببرید.

۲) شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه‌ی جنگ نرم، بصیرتی عمارگونه و استقامتی مالکا‌اشتروار میطلبید؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید.

۳)نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیتهای خودتان را به‌کار بگیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید.

۴)تشکیلات میتواند معبد باشد، ولی مبادا تبدیل به معبود گردد؛ اصول و ارزشهای عقیدتی و معنوی خودتان را در قالب تشکیلات حفظ، و بر صمیمیت و همدلی بین اعضا تأکید کنید.

خشن!" است یا مردم ما؟
آن کسی که حق ندارد درمورد انرژی هسته ای ما نظر بدهد، نخست وزیر غاصب اسرائیل است یا تاکسی ران و لیو فروش ما؟
آنانی که از همه ی قانون شکنان و اغتشاش گران سوریه تا اوکراین، لبنان تا ایران، حمایت کرده ومیکند، بی قانون اند یا چیست؟

آیا اقتصاد نسبتی با فرهنگ دارد؟

آن دولتی که از فرط کینه و بدبینی به پیشرفت های ما، هرروز مارا تحریم میکند، حدود است یا منتقدینِ منطقیِ ما؟

آن مردک نفهم، که از شدت لکنت ذهن؛ بجای دلیل، یک نقاشی را نشان ۲۰۰۰ کشور عضو سازمانِ ملل میدهد بی سواد است، یا علما و دانشمندانِ ما؟

این صفت ها، به خارج از مرز هایِ ما تعلق دارند، مصرف داخلی ندارند!

خدایِ ناکرده.. نرسیم به آن روزی که "خودمان" را معیار حقیقت بدانیم و هرکس را که از حیثه "من" - با تشدید بخوانید، حیثه "مَن" "بیرون رفت، "بی" "خودی" بنامیم!

قدرِ مردمِ صبورِ عزتمندِ همیشه درصحنهٔ انقلابیِ پای کشورمان راهِ بیشتر بدانیم.

کفتاری درباب اقتصاد مقاومتی

محمد صادق منصوروی

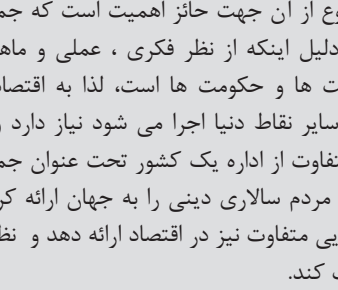
اهمیت و ضرورت اقتصاد

جایگاه اقتصاد در بحث های فردی و اجتماعی از بعد دینی چیست؟

آیا اقتصاد نسبتی با فرهنگ دارد؟

در پاسخ به این دو پرسش باید گفت که نسبت فرهنگ و اقتصاد نسبت به جامعه همانند نسبت روح و بدن در انسان است. فرهنگ همانند روح و اقتصاد همانند بدن انسان است. از آنجا که برای پرورش روح و رسیدن روح انسان به کمال خود نیاز است تا علاوه بر رفع نیاز های معنوی و روحی از بدن نیز به شکلی نیکو نگهداری و نگهبانی شده و حق آن را ادا کرد ؛ به همین ترتیب برای تکامل روح جامعه که همان فرهنگ است نیاز است تا شیوه برخورد درست با اقتصاد نیز آموخته شود . ما معتقدیم از آنجا که اسلام آخرین دین الهی بوده و کامل ترین آنها نیز هست ، در تمامی شئون زندگی - چه فردی و چه اجتماعی- گسترده است لذا می‌بایست برای اقتصاد یک جامعه اسلامی نیز طرحی متفاوت با آنچه تا کنون بشر آن را اجرا کرده است ارائه دهد.

این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل اینکه از نظر فکری ، عملی و ماهوی متفاوت با سایر دولت ها و حکومت ها است، لذا به اقتصادی متفاوت با آنچه در سایر نقاط دنیا اجرا می شود نیاز دارد و همانگونه که الگویی متفاوت از اداره یک کشور تحت عنوان جمهوری اسلامی مستی بر مردم سالاری دینی را به جهان ارائه کرده است ، می تواند الگویی متفاوت نیز در اقتصاد ارائه دهد و نظر همگان را به خود جلب کند.



تک تیر انداز یا آرے جے زن ؟



یک بار سید عباس نشسته بود پای یکی از فیلم های مستندی که ما از دفاع مقدس خودمان برایشان برده بودیم و پخش می کردیم. در بخشی از این مستند، آرپی جی زن ها تانک ها را می زدند و فکر می کنم در همان فیلم یکی از آن ها به شهادت رسید. صبح

فردای آن روز، سید عباس موسوی که رسته اش تک تیرانداز بود، گفت به من آرپی جی بدهید، من می خواهم از این به بعد در رسته آرپی جی زن ها باشم.

از ایشان می پرسیدیم که چرا می خواهی آرپی جی زن باشی؟

می گفت آرپی جی زن را تانک می زند، اما تک تیرانداز را تک تیرانداز می زند. من می خواهم در لحظه شهادتم این قدر وجودم برای دشمن مهم باشد که مرا با گلوله تانک بزند و چیزی از من باقی نماند.

فکر می کنید سید عباس موسوی بعد از این که فرمانده حزب الله شد و در منطقه قدرتی شدند، چگونه به شهادت رسید؟ از هواپیما یا موشک ماشینش را هدف قرار دادند و در ماشینش پودر شد و چیزی از او باقی نماند.

(خاطره حجت الاسلام پناهیان از شهید سید عباس موسوی دبیر کل سابق حزب ا. لبینان)

ستون میهمان

به نام های مهدی

سید محسن موسوی فولادی،

با درود و سلام بر پیامبر خوبیها و خاندان پاک ومطهرش در مطلع کلام وظیفه خویش دانستم که تأکید کنم آنچه سبب شد دست بر نوشتن برده و آرمانها و مکنونات قلبی خویش را بنگارم دراین برهه حساس که وظیفه ما دعا برای فرج توست خواستم تا آنچه که تو دلم هست رو به رشته تحریر درآورم یه حدیث از پیغمبر خاتم دیدم گفتم نقل کردنش خالی از لطف نیست(مهدی طاووس اهل بهشت است که هاله ای از نور او را احاطه کرده است.)امروز شهرهای ما آکنده از عطر حضورتوست ،اما دود گناهان کوچک پس کوجه هامون رو گرفته و چشم ها به انواع فساد تاریک اند، دستها به خیانت باز و به التماس دراز شده اند ، دلامون سرگرم دنیاست فکرامون سرگرم زندگی پر فریب ، زندگی کردن همراه با سراسر دوری توست.ای کاش زودتر بیایی تا این عطر حضور تویه عطر ظهورتو میل بشه بیا تا کوجه پس کوجه ها حتی درون خانه ها را از عدالت پر کن بیا دیده هامون رو به نور آیات الهی ببنا کن دلامون رو ضلال و صاف دستامون رو برا دعا بلند کن.

مهدی جان بیا تا آتشی برافروزیم و خرم ظلم وستم بسوزانیم بیا تا آبی جاری کنیم بر کویر تشنه عدالت .
التماس دعا

مسابقه کتابخوانی

«سین جین های خواستگاری»

در واحد خواهران

با جوایز ارزنده!

از هم اکنون برای گرفتن

کتاب به دفتر انجمن اسلامی

خواهران مراجعه فرمایید.

فرهنگ

مقام معظم رهبری : فرهنگ، این همان چیزی است که حاضرم بخاطرش جانم را فدا کنم.
souzaban.ir **وزنیان ۳**

جهاد فرهنگی

فاطمه تقی زاده

کودکان و نوجوانان امروز طعمه ی اصلی این کمپانی های شوم هستند تا از طریق برنامه های جذاب و مهیجی که با آن برخورد می کنند، ناخواسته شستشوی مغزی شوند. این یک حربه نامرئی است که آینده یک کشور را تخریب میکند!

وقتی کودک از اولین سال های زندگی اش در مقابل بازی ها و انیمیشن هایی قرار می گیرد که بدترین مفاهیم و مبتذل ترین ارزش ها را در قالب شخصیت های جذاب و برجسته به نمایش می گذارند،به تدریج به جای اجتناب از آنها به سمتشان گرایش یافته و خود نیز به ابزاری برای اهداف بعدی آنها تبدیل می شود. این چنین است که در جوامع، پوچ انگاری و سست ایمانی و سرگردانی رواج می یابد و آثار زیان باری همچون خودکشی،فروپاشی خانواده ها،ضعف های اخلاقی و...برجای می گذارد.

اکنون، نیاز است تا افرادی یا خودسازی، و آگاهی از حربه های دشمن، راه های مقابله با آن را بسازند و سدی به بلندی ایمان در برابر سیل عظیم آثار مخرب ایجاد کنند. امروزه باید با استفاده از ارزش های اسلامی و همچنین آگاهی از نیازها و سلیاق مخاطبان، و هدف گیری خلاء های موجود در آثار غیر اسلامی، به عرضه تولیداتی موافق با فطرت پاک انسانی اقدام کرد.اگر در مقابل گلوله های آتشین دشمن تنها از سپرهای چوبین استفاده کنیم،هرگز نخواهیم توانست فرهنگ اصیلمان را حفظ کنیم؛ چرا که روزی

این سپرها نیز در آتش کینه ی دشمن خواهد سوخت!

جهاد فرهنگی یعنی اول بفهمیم که دارند با تمام قوا با ما "میجنگند!" و بعد، با تمام قوا به مبارزه برخیزیم!چرا که اگر در مقابل جنگ جدید دشمن ناستیم، به سادگی خرمشهر فرهنگمان را فتح خواهند کرد و کودکان و نوجوانانمان را در دام حيله های شوم استعمار فرانو رها خواهیم کرد.

فرهنگ امروز پایه گذار آینده است و برای آینده باید فرهنگ سازان خوبی تربیت کردو امروز باید کسانی فدا شوند و هزینه هایی داده شود تا آنچه می ماند "فرهنگ" باشد. نه بی فرهنگی.

سحر بیدار باشیم یا بین الطلوعین؟

سحرها خوابم می‌گیرد؟ گفتند اگر خوابت گرفت بخواوب چون معلوم است سمت را در لیست ننوشته اندا ذکر یونسیه را خیلی تأکید می‌کردند. بعد از نماز صبح همه اذکار را مفید می دانستند ولی ذکر یونسیه را حداقل پانصد بار منشا اثر بر می‌شمردند. نماز شب و تلاوت قرآن جزو تأکیدات همیشگی استاد بود. خواندن رساله و بعد از آن منتهی الامال را سفارش می‌کردند.

روی سحر تأکید فراوان داشتند. بین الطلوعین را هم همین طور. یک وقت کسی پرسید بین این دو کدام را انتخاب کنیم؟ یعنی سحر بیدار باشیم یا بین الطلوعین؟ گفتند پیشنهاد دعوایی نیست. هر دو را بیدار باشید! ولی اگر کسی نمی‌توانست اولویت را با سحر می‌دانستند. یکبار کسی گفت حاج آقا من

مالکوم ایکس کیست؟

فرهاد نقدی

مالکوم ایکس، مبارز سیاهپوستی است که در سال ۱۹۲۵ در گروه «ملت مسلمان». آنان از اسلام گفتند و مالکوم شنید، آرام آرام درپچه ای به روی مالکوم گشوده شد؛ که برتری به پاکی و تقواست، نه به رنگ پوست. سفر به سرزمین وحی و زیارت خانه خدا، برگ افتخار دیگری بود که در دفتر زندگی مالکوم ایکس جای گرفت. آن گونه که خودش اشاره کرده، در این سفر روحانی و مقدس با معنای واقعی اتحاد و برابری میان مسلمانان آشنا شد و حقیقت اسلام را فرا گرفت. مالکوم

ایکس، پس از بازگشت از مناسک حج، نام حاج ملک شَبَّاز را برای خود برگزید. مالکوم در آستانه راه بود که خانه اش را به آتش کشیدند و چون از این واقعه جان سالم به در برد، یک هفته بعد در ۳۹ سالگی هنگام سخنرانی در سالن بالروم مانهاتان، با شلیک چند گلوله به زندگی پرفراز و نشیب او پایان دادند.